

تأملی در ادله و فتاوی

مفطر بودن رساندن غبار و دود به حلق*

- سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱
- ماهرخ رستمی^۲

چکیده

مشهور فقها حکم به مفطر بودن «رساندن غبار غلیظ به حلق» داده‌اند و بیشتر مراجع معاصر بنا بر احتیاط واجب، آن را مفطر می‌دانند. اما این مسئله فروع و ادله مختلفی دارد که به مناسبت آن‌ها، نظرات فقها نیز مختلف می‌شود. فرع اول مسئله، قید غلظت غبار یا اطلاق آن، و فرع دوم آن، الحاق دود و بخار به غبار است. در میان ادله، ظاهراً روایت سلیمان مروزی دلیل اصلی این حکم بوده است. اما وجود اصالت اطلاق و تعارض روایت عمرو بن سعید با روایت سلیمان مروزی، دو چالش مهم در دلالت روایت سلیمان ایجاد می‌کند. همچنین الحاق رساندن غبار غلیظ به حلق، به مفطر اصلی اکل و شرب یا عدم الحاق آن مطرح است که در اصل مسئله تأثیر دارد. به نظر می‌رسد حکم احتیاط واجب از سوی فقها، راهی برای احتیاط حسن و تخلص از این ابهامات است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول) (abolghasem.6558@yahoo.com).

۲. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه (m.ros846@gmail.com).

با بررسی این فروع و ادله به این نتیجه رسیده‌ایم که اگرچه حکم احتیاط واجب برای مفطر بودن غبار و دخان و بخار، به عنوان یک مفطر مستقل شهرت دارد، اما بسیار مشکل است.

واژگان کلیدی: مبطلات روزه، مفطرات، رساندن غبار غلیظ به حلق، حکم سیگار و دخانیات.

مقدمات

۱. بیان مسئله

مشهور فقهای امامیه بنا بر فتوا یا احتیاط واجب، رساندن غبار به حلق را سبب بطلان روزه می‌دانند. ادله این شهرت مشخص و موجود است. با نگاه اولیه به این ادله به نظر می‌رسد که آن قدر قوت ندارند که حکم مشهور را اثبات کنند، بلکه فقها به تبعیت از همدیگر و صرفاً برای رعایت احتیاط، حکم به احتیاط در مفطریّت غبار داده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۲۱؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵۹/۸؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۳۶).

مسئله این است که آیا ادله آنان می‌تواند حکم مشهور را اثبات کند یا کافی نیست؟

۲. پیشینه و اهمیت تحقیق

بعضی از فقها در منابع فقه استدلالی، برخی دلایل مفطریّت مفطرات روزه و عدم آن را بررسی کرده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰: ۱۰۳/۱-۲۵۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱/۱۰-۱۳۵؛ ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۴۱/۳-۶۱۱، حواشی فقها). با این حال، همه ادله فقها در یک منبع نیامده و در منابع مختلف فقه فتوایی یا استدلالی پراکنده است. همچنین فقها به خاطر برخی ابهامات در ادله مسئله یا به خاطر احتیاط و یا به خاطر هر دو، حکم به احتیاط واجب یا مستحب نموده و به همین خاطر، فرایند بررسی خود را به تفصیل گزارش نکرده‌اند. گردآوری و بررسی میزان دلالت این ادله، هم نیاز به فحص و سبر و احصاء و تقسیم دارد و هم به بررسی اجتهادی نیازمند است. از این رو در این مقاله بر این دو همت گمارده‌ایم. اهمیت بحث این است که حکم احتیاط واجب در اینجا راه خلاص مطلق نیست و تالی و آثار دارد؛ زیرا اگر کسی مرتکب این کار بشود، سپس به این احتیاط واجب

عمل کرده و به مرجعی که مجوز می‌دهد، رجوع نکنند، روزه‌اش باطل می‌شود و به نظر برخی فقها، قضا یا کفاره نیز بر او واجب خواهد بود (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۲۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۷۰/۱۰ و ۷۲، ح ۱۲۸۵۶؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵۹/۸).

۳. سؤال و فرضیه تحقیق

نظر عرف در مفطرات روزه، منحصر به اکل و شرب و جماع و ارتماس در آب و دروغ بستن به خدا و نبی و ائمه علیهم‌السلام است. آن‌ها مواردی مانند رساندن غبار و دود یا ارتماس در آب را به اکل و شرب ملحق می‌کنند. اما آیا در نگاه فقیهانه نیز چنین الحاقی منظور است یا این موارد در نظر شرع عنوانی مستقل دارد؟ و اگر عنوانی مستقل دارد، دلیل آن چیست؟

سؤال اصلی ما در این مقاله آن است که آیا ادله مفطریّت ایصال غبار به حلق، دلالت کافی دارد یا نه؟ فرض اولیه تحقیق، عدم دلالت کافی این ادله است. اما موضوع این مسئله، فروع و حالات مختلفی دارد که ایجاب می‌کند علاوه بر بررسی ادله، به تفکیک این فروع و حالات نیز پردازیم؛ مثل اینکه تعریف غبار مفطر چیست؟ و آیا مقید به غبار غلیظ است یا مطلق می‌باشد؟

الف) حکم اولیه مفطر بودن اشیا و افعال

اصل در اشیا و افعال این است که مفطر و مبطل روزه نباشند، مگر اینکه به دلیل معتبر اثبات شوند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۶). برخی روایات، این موارد را در چند مورد مشخص برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: «اکل»، «شرب»، «جماع» و «ارتماس در آب». اقتضای اولیه این دسته از روایات آن است که مفطریّت به همین موارد منحصر شود (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۲۱). شیخ حرّ عاملی در کتاب *وسائل الشیعه* این گونه روایات را آورده است؛ از جمله:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْذُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدٍ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: "لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَّبَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ وَالنِّسَاءَ وَالْإِرْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ". وَفِي

رَوَايَةُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ أَرْبَعَةَ خَصَالٍ» (حَرَّ عَامِلِي، ۱۴۰۹: ۳۱/۱۰)؛ ... محمد بن مسلم روایت کرده که شنیدم امام باقر علیه السلام چنین می فرمود: «روزه دار هر کار کند، ضرری به روزه او نمی رسد تا وقتی که از سه چیز دوری نماید: خوردن و آشامیدن و زنان [جماع] و فرو رفتن در آب» و در روایت محمد بن علی بن محبوب تعبیر «چهار چیز» آمده است.

اما در ابواب بعدی ذیل عنوان «أَبْوَابُ مَا يُمَسِّكُ عَنْهُ الصَّائِمُ وَوَقْتُ الْإِمْسَاكِ»، مفطرات منصوص دیگری را ذکر می کند (همان: ۱۳۴-۳۱/۱۰)؛ از جمله این ابواب، باب ۲۹ با عنوان «بَابُ فَسَادِ الصَّوْمِ وَوُجُوبِ الْقَضَاءِ وَالْكَفَّارَةِ بِتَعَمُّدِ إِيصَالِ الْمَاءِ إِلَى الْحَلْقِ وَلَوْ بِالْمُضْمَضَةِ وَالْإِسْتِنْشَاقِ وَكَذَا إِيصَالِ الْغُبَارِ الْعَلِيظِ وَالرَّائِحَةِ الْعَلِيظَةِ إِلَى الْحَلْقِ دُونَ دُخَانِ الْبُخُورِ مَعَ عَدَمِ الْعَمْدِ» است. این عنوان باب، فتوای شیخ حر محسوب می شود. شیخ حر علاوه بر این فتوا، دو روایت را هم می آورد که معارض یکدیگر هستند. وی نظر خود را درباره آنها توضیح می دهد. بنا بر یک روایت، «رسیدن غبار به حلق» از اصالت و اطلاق عدم مفطریات اشیاء خارج می شود. اما بنا بر روایت دیگر، داخل در همان اصالت باقی مانده و مفطر نخواهد بود (همان: ۷۰/۱۰).

ب) فتاوی فقها

برخی فقها مانند ابن ادریس، ابن زهره، علامه در کتاب *مختلف* و صاحب *جوهر*، حکم به اجماع فقها در مورد مفطر بودن ایصال غبار به حلق داده اند. اما در واقع، این اجماع که کشف از نظر معصوم کند، وجود ندارد و تنها شهرت مطرح است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۲۱). البته این شهرت را «عظیم» خوانده اند، به طوری که نزدیک به اجماع است و تا زمان محدث فیض کاشانی مخالف صریح نداشت. با این حال، علمایی مانند شیخ صدوق، سید یزدی و شیخ طوسی در کتاب *مصباح* متعرض این حکم نشده اند. البته شیخ طوسی در جایی دیگر، حکم به مفطریات آن می دهد؛ به طوری که مرجع قول به مفطریات را نظر شیخ طوسی می دانند. سلار و شیخ یوسف بحرانی هم حکم به منع مفطریات آن داده اند. شاید به همین خاطر، محقق در *شرائع* می گوید که در این مسئله، خلاف وجود دارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۲-۲۱۳؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۷۱/۱؛ صدوق،

۱۴۱۵: ۹۰؛ شریف مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۱۷: ۲۹۴؛ همو، ۱۳۸۷: ۵۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵۹/۸؛ آملی، ۱۳۸۰: ۲۹/۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۴/۱۰؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۳۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰: ۱۵۰/۱).

به هر حال اگر مفطر بودن رساندن غبار به حلق به عنوان مستقل، شهرت عظیم داشت، امامیه آن را در کتاب‌هایی می‌آوردند که فتاوی مأثور از ائمه را نقل می‌کنند؛ زیرا بسیار محل ابتلاست. در حالی که ظاهراً تا زمان امام رضا علیه السلام این حکم نقل نشده و در اوایل قرن سوم به خاطر روایت سلیمان مروزی داخل در فقه شیعه شد. بنابراین اولاً این شهرت، شهرت فتوایی است و ثانیاً در طول چند قرن نبوده است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰: ۱۵۰/۱ و ۱۵۲؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۴۱).

در میان معاصران از زمان صاحب عروه به این سو، فقها و مراجع تقلید عمدتاً حکم به احتیاط واجب مفطریت داده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۶: ۳۳۸؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۱۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۳۲۱/۱؛ برای فتاوی بیشتر ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۵۳/۳). در این میان، شبیری زنجانی مفطریت را احتیاط مستحب می‌داند (شبیری زنجانی، ۱۴۳۰: ۳۲۹). برخی دیگر، نظر خود را با عبارات مختلفی مانند مشکل بودن تأسیس اصل در برابر اصالت اطلاق و روایات منحصرکننده مفطرات آورده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۴/۱۰).

باید توجه داشت که این مسئله فروع مختلفی دارد که سبب اختلاف فتاوی مذکور در آن فروع شده است. همچنین مستند و دلیل برخی فقها فرق می‌کند که این امر نیز سبب اختلاف مبانی آن‌ها در یک حکم واحد می‌شود. در ادامه مقاله به این فروع و سپس به ادله می‌پردازیم.

ج) فروع موضوع مسئله

مسئله رساندن غبار و دود و بخار به حلق، فروع مختلفی دارد. مهم‌ترین این فروع در عبارت سید یزدی در *عروة الوثقی* آمده است. بسیاری از فقها بر این عبارت حاشیه نوشته‌اند. در این بخش از مقاله، فرع‌هایی را با توجه به فروع این عبارت بررسی می‌کنیم. ترجمه عبارت عروه چنین است:

«ششم از مفطرات، رساندن غبار غلیظ به حلق است؛ بلکه مطلق غبار است، هرچند غلیظ نباشد بنا بر احوط؛ چه غبار حلال باشد مثل آرد، یا حرام مثل غبار خاک؛ چه خود به جاروب کردن یا تکاندن باعث بلند شدن غبار شود یا دیگری بلکه یا به سبب باد غبار برخیزد و او بتواند، اما تحفظ نکند. و اقوی الحاق بخار غلیظ و دود توتون و تنباکو و مانند آن به غبار است و باکی نیست به آنچه به سبب غفلت یا فراموشی یا قهراً داخل حلق شود و یا به سبب آنکه مظنه دارد که به حلق نمی‌رسد، تحفظ نکند و برسد»^۱ (محدث قمی، ۱۴۲۳: ۱۵۵/۲).

۱. مفطر بودن مطلق غبار یا مقید بودن آن به غلظت

برخی علما رساندن مطلق غبار، اعم از غلیظ و رقیق را مفطر روزه می‌دانند (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۷/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۷/۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۵۲/۶). اما برخی دیگر، مفطر بودن آن را مقید به غلظت می‌کنند، به طوری که اجزاء جسمانی غبار در آن ملموس باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲: ۵۴۶؛ برای بررسی تفصیلی نظرات ر.ک: همو، ۱۴۱۹: ۵۵۴/۳). این فرع به این مسئله نیز مربوط می‌شود که آیا رساندن غبار به حلق، عنوانی مستقل از عنوان اکل و شرب است یا به همان ملحق می‌شود. در بخش بررسی ادله، به این مسئله نیز می‌پردازیم.

۲. الحاق دود تنباکو و توتون و بخار به غبار و دلیل این الحاق

صاحب عروه دود تنباکو و توتون و بخار را بنا بر اقوی ملحق به غبار می‌داند. اما بسیاری از علما به خصوص در حاشیه خود بر عروه، دود و بخار را تنها در صورت مقید بودن حکم به غبار غلیظ ملحق می‌دانند و ضمناً به خلاف نظر صاحب عروه می‌گویند که فقط احوط است نه اقوی (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۶۲/۸؛ برای تفصیل نظرات دیگران ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۵۴/۳).

شیخ انصاری در الحاق دود تنباکو و توتون و بخار به غبار تفصیل می‌دهد و می‌گوید:

۱. اصل عبارت سید یزدی چنین است: «السادس: إيصال الغبار الغليظ إلى حلقه، بل وغير الغليظ على الأحوط، سواء كان من الحلال كغبار الدقيق، أو الحرام كغبار التراب ونحوه، وسواء كان يائثراً بنفسه بكس أو نحوه، أو يائثراً غيره، بل أو يائثراً الهواء مع التمكين منه وعدم تحفظه، والأقوى إلحاق البخار الغليظ ودخان التباك ونحوه، ولا بأس بما يدخل في الحلق غفلة أو نسياناً أو قهراً أو مع ترك التحفظ بظن عدم الوصول ونحو ذلك» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۵۳/۳).

«اگر حکم را شامل غبار غیر غلیظ هم بدانیم، بنا بر اقوی می‌توانیم با تنقیح مناط و اولویت، این موارد [دود و بخار] را به آن ملحق کنیم. اما اگر حکم را مختص غبار غلیظ بدانیم، بنا بر اقوی ملحق نمی‌شود؛ زیرا اجزاء خاک موجود در غبار غلیظ به حلق می‌چسبد و با آب دهان پایین می‌رود، اما اجزاء دود و بخار لطیف است و همراه با دود داخل در «جوف» نمی‌شود و به حلق نیز نمی‌چسبد و با آب دهان پایین نمی‌رود. بنابراین دود از خوردنی‌ها نیست و اجزاء نرم آن جدای از خود آن نیست تا صدق اکل آن، عنوان مستقل بشود» (انصاری دزفولی، ۱۴۱۳: ۴۹).

بر پایه این عبارت، شیخ انصاری اولاً در فرض اول خود، حکم به اقوی می‌دهد، ثانیاً در ظاهر اساساً مسئله را ذیل عنوان اکل و شرب می‌بیند نه یک عنوان مستقل. شهید در کتاب مسالک و برخی دیگر از علما نیز دخان و تنباکو را شرب و تناول می‌دانند. به نظر آنان به همین خاطر است که در میان عرف می‌گویند: «شرب التوتون» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۵۲/۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸: ۲۰/۲).

اما فاضل لنکرانی این حکم به اقوی را محلّ تأمل دانسته، سپس آن را احوط می‌داند و باز می‌گوید:

«برای معتادان به دود تنباکو و مانند آن، احوط این است که روزه را به خاطر استعمال این دود ترک نکنند، بلکه روزه داشته باشند و به مقدار ضرورت استعمال دود کفایت کنند»^۱ (طباطبایی یزدی، بی‌تا(الف): ۱۹/۲).

در این میان، برخی علما این الحاق را قیاس یا «اشبه شیء بالقیاس» معرفی کرده‌اند. به تعبیر دیگر، دلیل مفسر بودن غبار قاصر است و با اغماض می‌توان آن را پذیرفت؛ حال تطبیق این حکم برای دود و بخار بعیدتر و قیاس است. حتی به نظر آنان، سیره متشرعه عدم اجتناب از بخار است؛ مثلاً متشرعه در ماه رمضان به حمام می‌روند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۶۱/۸-۲۶۲؛ موسوی خویی، بی‌تا: الصوم ۱۵۱/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۴/۱۰؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۰۵ و ۱۴۲).

یکی از مهم‌ترین ادله عدم الحاق، روایت عمرو بن سعید از امام رضا علیه السلام است که

۱. گفته شده است که ایشان بعداً به دلیل برخی سوءاستفاده‌ها، از این حکم صرف‌نظر کرده‌اند؛ اما ما مستندی نیافتیم.

از ایشان می‌پرسد آیا جایز است که روزه‌دار عود یا غیر آن را دود کند، در حالی که دود به حلق او وارد می‌شود؟ امام پاسخ می‌دهد که جایز است و اشکالی ندارد. آن دسته از فقها که حکم به الحاق می‌دهند، در معارضه این روایت با روایت سلیمان مروزی، روایت سلیمان را مقدم می‌کنند^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۷۰/۱۰، ج ۱۲۸۵ و ص ۹۴، ح ۱۲۹۳۲).

د) بررسی ادله مفطر بودن یا نبودن ایصال غبار

۱. روایت سلیمان مروزی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل حکم، روایت سلیمان بن جعفر مروزی باشد که شیخ طوسی آن را در تهذیب آورده و شیخ حرّ عاملی نیز آن را در وسائل نقل کرده است. سند و متن این روایت چنین است:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْمَرْوَزِيِّ [سلیمان بن حفص] قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِذَا تَمَضَّمَ الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ اسْتَنَشَقَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَمَّ رَائِحَةَ غَلِيظَةً أَوْ كَنَسَ بَيْتًا فَدَخَلَ فِي أَنْفِهِ وَحَلَقَهُ غُبَارًا، فَعَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُ مُفْطَرٌ مِثْلُ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالنِّكَاحِ» (همان: ۷۰/۱۰، ج ۱۲۸۵)؛ ... سلیمان مروزی می‌گوید از او شنیدم که می‌گفت: وقتی که روزه‌دار در ماه رمضان آب در دهان بگرداند و مضمضه کند یا به عمد آب را در بینی خود استنشاق نماید یا بوی غلیظی بیوید یا خانه‌ای را جارو کند و غبار به بینی و حلق او برود، در این صورت روزه دو ماه پیوسته بر اوست، پس این برایش مُفطر است مانند خوردن و آشامیدن و نکاح [جماع].

اشکالات سندی و محتوایی به روایت سلیمان

نسبت به دلالت این روایت برای مسئله، چند اشکال سندی و محتوایی به شرح زیر وارد شده است:

۱. علما ابتدا اشکال کرده‌اند که در سند این روایت، مجاهیل وجود دارد. همچنین سلیمان می‌گوید: «سمعتہ یقول» و قائل را ذکر نمی‌کند و به اصطلاح مضمهره است. بنابراین معلوم نیست که از امام روایت کرده است یا خیر (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۵۲/۶).

۱. تفصیل بحث از این دو روایت در بخش بعدی مقاله می‌آید.

اما برخی دیگر پاسخ داده‌اند که مجهولی در کار نیست؛ زیرا محمد بن عیسی را نجاشی توثیق می‌کند، هرچند شیخ او را تضعیف می‌نماید. شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا* و مجلسی اول در *روضه المتقین* او را مدح کرده، به او اعتماد نموده و او را کثیر الروایه خوانده‌اند. علاوه بر این، نام او در اسناد کامل الزیارات آمده است. بنابراین بعید دانسته‌اند که از غیر معصوم روایت نقل کند. اما در مورد تقویت مجموع سند، محقق خویی طریق شیخ به صفار را صحیح می‌داند (برای تفصیل بیشتر بحث سندی ر.ک: موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۴/۲۱؛ همو، بی‌تا: الصوم ۱/۴۵؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۴۰؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۱).

۲. اشکال بعدی محتوای غریب آن است؛ زیرا روایات بسیار و اجماع فقها بر این مطلب هست که به صرف مضمضه و استنشاق و بوییدن بوی غلیظ کفاره نمی‌آید. روایات بسیاری نیز هست که بوییدن گل را اجازه داده‌اند که حداکثر دلالت آن بر کراهت است نه بطلان و حرمت. اما شاید بتوان گفت که این روایت مقید به بوی غلیظ است، اما آن روایات مطلق از غلیظ و رقیق می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸: ۲۰/۲؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷: ۱۸۱/۲۰).

شاید بتوان گفت که به قرینه «فَدَخَلَ فِي أَنْفِهِ وَحَلَقَهُ غُبَارًا»، منظور از مضمضه و استنشاق و بوییدن، همراه با قید دخول در حلق باشد. یعنی این قید و نیز قید متممداً و نیز قید غلیظاً برای همه موارد باشد که به هم عطف شده‌اند. اما در این صورت، تمام این موارد ملحق به اکل و شرب خواهد شد. در این صورت اگر کسی بگوید که فقره آخر روایت یعنی «فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُ مَقْطَرٌ مِّثْلُ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَ النَّكَاحِ»، صرف شباهت در مفطر بودن را نمی‌رساند، بلکه عنوانی مستقل غیر از اکل و شرب را می‌فهماند، امر مشکل خواهد شد؛ زیرا از سویی، دلیل برای الحاق آوردیم و از سوی دیگر، استظهاری برای عنوان مستقل. اما از عبارت برخی مانند شیخ طوسی برمی‌آید که این موارد در این روایت، ملحق به اکل و شرب است (اشتهااردی، ۱۴۱۷: ۱۷۹/۲۰).

در اینجا برخی توجیه کرده‌اند که پس باید این روایت را حمل تنزهی کرد؛ یعنی بهتر است که این کارها انجام نشود. اما محقق خویی پاسخ می‌دهد که وقتی با قرینه خارج از روایت می‌فهمیم که در بعضی از موارد یک روایت، اراده تنزهی شده است،

نمی‌توان از ظهور بقیه موارد رفع ید کرد. بنابراین بطلان در موارد دیگر روایت ثابت می‌ماند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۴/۲۱).

۳. اشکال دیگر آن است که این روایت معارض با روایت عمرو بن سعید از امام رضا علیه السلام است. متن و سند این روایت و نیز دلالت و نحوه تعارض آن با روایت سلیمان در بخش بعد می‌آید.

۲. روایت عمرو بن سعید از امام رضا علیه السلام

شیخ حرّ عاملی در *وسائل الشیعه* روایتی را از *تهذیب شیخ طوسی* نقل می‌کند که به خلاف روایت سلیمان مروزی، ورود غبار به حلق را مبطل روزه نمی‌داند. متن و سند روایت چنین است:

«بِإِسْنَادِهِ [التَّهْذِيبُ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَتَدَخَّنُ بِغُودٍ أَوْ بِغَيْرِ ذَلِكَ، فَتَدْخُلُ الدُّخَانُ فِي حَلْقِهِ، فَقَالَ: جَائِزٌ لَا بَأْسَ بِهِ. قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَدْخُلُ الْغُبَارُ فِي حَلْقِهِ. قَالَ: لَا بَأْسَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۷۰/۱۰، ح ۱۲۸۵۱ و ص ۹۴، ح ۱۲۹۳۲)؛ عمرو بن سعید گفت: از امام رضا علیه السلام در مورد روزه‌داری پرسیدم که به وسیله غود یا مانند آن تدخین می‌کند و دود به حلق می‌برد، پس دود به حلق او وارد می‌شود. امام فرمود: جایز است و اشکالی ندارد. همچنین عمرو گفت: در مورد روزه‌داری پرسیدم که غبار به حلق او می‌رود. امام فرمود: اشکالی ندارد.

سپس خود صاحب *وسائل* برای تقویت دلالت روایت سلیمان و توجیه این روایت می‌گوید:

«من می‌گویم که این حدیث، حمل بر غبار غیر غلیظ و دود غیر غلیظ می‌شود یا اینکه حمل بر حالت غیر عمدی می‌شود یا اینکه حمل بر حالت ناتوانی از تحرز می‌شود. در این حدیث، اشاره و اشعاری به وارد کردن عمدی نیست، بلکه ظاهر آن حالت غیر عمد است و بعضی از این در آینده می‌آید» (همان: ۷۲/۱۰، ح ۱۲۸۵۱).

وی در باب ۲۳، روایتی را می‌آورد که به دلالت آن، مضمضه غیر عمدی مبطل روزه نیست. سپس می‌گوید: «در باب قبل، مطلبی که بر این روایت یعنی وجوب كفارة در صورت عمد دلالت کند، آمد». روایت چنین است:

«وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: "سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَضَّمُ، فَيَدْخُلُ فِي حَلْقِهِ الْمَاءَ وَهُوَ صَائِمٌ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِذَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ. قُلْتُ: فَإِنْ تَمَضَّمُ الثَّانِيَةَ، فَدَخَلَ فِي حَلْقِهِ الْمَاءَ؟ قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. قُلْتُ: فَإِنْ تَمَضَّمُ الثَّالِثَةَ؟ قَالَ فَقَالَ: قَدْ أَسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا قَضَاءٌ". وَيَأْسَنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ مِثْلَهُ» (همان: ۷۲/۱۰، ح ۱۲۸۵۶) ... عمار ساباطی می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که آب در دهان می گرداند، پس آب به حلق او وارد می شود، در حالی که روزه است. امام فرمود: اگر عمدی نداشته، بر او چیزی نیست و اشکالی ندارد. گفتم: اگر دوباره آب در دهان بگرداند، پس آب به حلقش وارد شود؟ فرمود: چیزی بر او نیست و اشکالی ندارد. گفتم: اگر برای بار سوم آب در دهان بگرداند؟ فرمود: کار بدی کرده است، [اما] چیزی بر او نیست و قضا هم بر عهده او نیست.

البته می توان بر شیخ حرّ عاملی اشکال کرد که روایت عمار ساباطی مربوط به مضمضه است و مضمضه ای که منجر به ورود آب به حلق شود، ملحق به اکل و شرب است نه یک عنوان مستقل از اکل و شرب.

علمای دیگر نیز تعارض ظاهری روایت سلیمان و عمرو بن سعید را به همین نحو اطلاق و تقیید حل می کنند؛ یعنی موثقه سلیمان ظهور در تعدد دارد، اما موثقه عمرو بن سعید از این جهت مطلق است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵۹/۸؛ موسوی خویی، بی تا: الصوم ۱/۴۸؛ همو، ۱۴۱۸: ۱۵۵/۲۱؛ منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۸: ۱۴۰).

۳. اصالت اطلاق و روایات انحصار مفطرات

یک دلیل مفطر نبودن ایصال غبار به حلق، عموماتی هستند که نهی از امور را وابسته به وجود دلیل می دانند؛ یعنی روایاتی که می گویند تا قبل از اثبات دلیل ناهی، امور مطلق به حساب می آیند و از آن ها نهی نمی شود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۶). همچنین روایاتی که مفطرات را در چند مورد خاص برمی شمارند، می توانند این اصل و مقتضا را تقویت کنند (همان: ۳۱/۱۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۲۱). بیشتر بحث از این موارد آمد.

۴. التذاذ جسمانی

برخی علما، این نظریه را از افراد نامعلومی نقل می کنند که در خصوص دود توتون و

تباکو لذتی هست که منافی حالت روزه‌داری است و این لذت سبب شده که مناط مفطر بودن آن حتی نسبت به غبار قوی‌تر بشود. البته همان علما پاسخ داده‌اند که این حرف با امثال روایت عمرو بن سعید منافات دارد. اساساً در مفطر بودن دود و بخار، فرقی بین لذت بردن یا نبردن نیست (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۶۱-۲۶۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۴/۱۰).

۵. سیره متشرعه در قبح تدخین و در عدم اطلاق روزه به حالت تدخین

برخی دلیل دیگری را برای مفطر بودن رساندن غبار غلیظ و به خصوص رساندن دود دخانیات به حلق ذکر می‌کنند و آن سیره متشرعه است؛ یعنی متشرعه به کسی که در حال تدخین است، روزه‌دار نمی‌گویند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۹/۲۱).

اما در جواب باید گفت که اولاً این سیره معلوم نیست به خصوص تا قبل از قرن سوم؛ یعنی در بازه زمانی که حکم مسئله در فقه داخل نشده بود. ثانیاً دلالت این سیره، اول کلام است؛ زیرا دلیل این سیره، فتاویٰ علما بوده است. حال چگونه می‌توانیم دلیل این فتاوا را این سیره قرار دهیم؟ (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۶۱-۲۶۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۴/۱۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۹/۲۱).

۶. الحاق طعام بودن غبار و دخان

یک دلیل مفطر بودن رساندن غبار به حلق این است که ملحق به اکل و شرب شود؛ زیرا مطمئناً اکل و شرب جزء مفطرات است.

اهمیت این دلیل از آن جهت است که اگر ایصال غبار به حلق را از باب اکل و شرب و ملحق به آن بدانیم، مفطر بودن آن ذیل عنوانی مستقل نیست. بیشتر کسانی که قید غلظت را در مسئله در نظر می‌گیرند، همین نظر را دارند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۵۲/۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸: ۲۰/۲؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۸: ۱۳۷ و ۱۳۹). آنان یا به این الحاق تصریح دارند یا از لوازم و علامات آن می‌گویند؛ مثلاً تشکیل جسم و ذرات در گلو و رسیدن آن به بطن و جوف را یادآور می‌شوند. ظاهراً به نظر آنان در مفطر بودن اکل و شرب، فرقی بین حلال و حرام بودن و بین مغذی بودن و نبودن آن نیست. اما روایت زیر نمونه‌ای است که صدق طعام بودن را شرط در الحاق به اکل و شرب می‌داند؛ مثلاً رفتن مگس در حلق مبطل روزه نیست، زیرا مگس مصداق طعام نمی‌باشد:

«وَعَنْهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنِ الذُّبَابِ يَدْخُلُ حَلْقَ الصَّائِمِ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِطَعَامٍ» وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/۱۰۹، ح ۱۲۹۸۲)؛ ... مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش علیه السلام چنین نقل می کنند: از علی علیه السلام درباره [حکم] مگسی که داخل حلق روزه دار شود، پرسیدند. فرمود: قضا بر عهده او نیست؛ زیرا آن [مگس] خوراک نیست.

همچنین طبق این فرض، اگر غبار رقیق به گونه ای باشد که عرفاً ماده ای جدای از هوا به حساب نیاید و یا اینکه به گونه ای باشد که به حلق بچسبد، اما به بطن نرسد، دیگر مبطل نخواهد بود. در این صورت، فرقی بین بخار و دخان و غبار نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸: ۲۰/۲؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۱۳۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۵۲/۶؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰/۷۳؛ منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۸: ۱۳۷ و ۱۳۹؛ تبریزی، ۱۴۲۷: ۴۳؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۷۸ و ۱۷۹). اما اگر ایصال غبار به حلق، مفطری مستقل از اکل و شرب محسوب شود، باید دلالت ادله بر استقلال آن در مفطر بودن کافی باشد. در این صورت، بین غلظت و رقت یا حلیت و حرمت خوردن آن غبار فرقی نیست، مگر اینکه قید غلظت را به روایت سلیمان نسبت دهیم و آن را صرفاً تعبدی برشماریم (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۱۶۴؛ همو، بی تا(ب): ۷۹۴/۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۲/۲۱ و ۱۵۸).

مثلاً محقق خویی پس از بحث در ادله و فروع مسئله، این گونه می گوید:

«پس از اینکه واضح شد که بر این [حکم ایصال غبار به حلق]، اکل و شرب صدق نمی کند، دلیلی نزد ما نمی ماند که به خاطر آن، حکم به منع کنیم [یعنی دلیلی نمی ماند که طبق آن، حکم به مفطر بودن رساندن غبار به حلق کنیم]. به علاوه، مقتضی قاعده [اصالت اطلاق و روایات منحصراً مفسر کننده مفطرات]، جواز [رساندن غبار غلیظ به حلق] است. اگرچه احتیاط ترک آن - به خاطر رعایت سیره همان طور که شناختی - از چیزهایی است که شایسته نیست ترک شود و خداوند سبحان اعلم است» (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۲/۲۱ و ۱۵۸).

نتیجه گیری

مفطر بودن رساندن «غبار غلیظ به حلق»، به اجماع شیعه نیست، بلکه مشهور حکم

به احتیاط واجب داده‌اند. در این میان، برخی حکم به احتیاط مستحب یا حتی عدم مفطر بودن داده‌اند. اصل این است که امور مختلف، سبب بطلان و افطار نباشند. دلیل بر عدم مفطر بودن آن‌ها روایاتی است که مفطرات را در چند مورد منحصر می‌کنند. البته روایت سلیمان مروزی دلالت بر مفطر بودن آن دارد که می‌تواند مفطریّت آن را اثبات کند. اما برخی اشکالات سندی و محتوایی بر این روایت وارد شده است؛ هرچند جواب‌هایی هم دارد. همچنین روایت عمرو بن سعید معارض با آن است. اما برخی آن دو را به نحو اطلاق و تقیید جمع می‌کنند. ادله دیگر غیر از روایت سلیمان، چندان قوی به نظر نمی‌رسد.

بر فرض حجیت روایت سلیمان مروزی در مفطر بودن رساندن غبار به حلق، باز هم ممکن است از باب اکل و شرب مفطر باشد و ملحق به آن شود؛ هرچند در متن این روایت، رساندن غبار غلیظ به حلق، به عنوان مفطری مانند اکل و شرب و نکاح معرفی شده است. بنابراین برخی می‌گویند که دلیلی مستقل است.

بنابراین دو بحث عمده در این مسئله وجود دارد؛ یکی اعتبار و دلالت روایت سلیمان و دیگری مستقل بودن یا الحاق ایصال غبار غلیظ به حلق نسبت به عنوان مفطر اکل و شرب. در نهایت با وجود ادله‌ای که مفطرات را برشمرده‌اند، تأسیس حکم برای مفطر بودن ایصال غبار به حلق بر اساس یک روایت که دارای برخی اشکالات و نیز روایت معارض است، سخت می‌باشد. همچنین الحاق دخان و بخار به آن سخت‌تر خواهد بود. در این میان به نظر می‌رسد که تبعیت از مشهور یا تمسک به سیره متشرعه و ترس از آن، حکم به احوط و احتیاط واجب را میان فقها رواج داده است. در این مقاله حتی مصادیق زیادی در مقابل این شهرت ذکر شد. به ویژه در فروع مختلف مسئله، اختلاف فتوا بیشتر می‌شود که ضرورت تأمل در شهرت را بیشتر می‌کند.

رعایت احتیاط عقلی فقها در صدور حکم به احتیاط، دارای آثاری است مانند اینکه در صورت ارتکاب، بطلان روزه و به نظر برخی قضا یا کفاره را به دنبال دارد. در این صورت، چگونه حکم به احتیاط در اینجا می‌تواند موافق احتیاط باشد؟ همچنین باید در نظر داشت که اینجا اصل حکم مشکوک است، پس ظاهراً جای برائت است نه احتیاط و اشتغال. به طور خلاصه باید گفت که طبق این تحقیق، حکم احتیاط واجب به مفطر بودن غبار و دخان و بخار بسیار مشکل است.

کتاب شناسی

۱. آملی، محمدتقی، مصباح الہدی فی شرح العروة الوثقی، تهران، مؤلف، ۱۳۸۰ ق.
۲. ابن زہرہ حلبی، سید حمزہ بن علی حسینی، غنیۃ النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسہ امام صادق (علیہ السلام)، ۱۴۱۷ ق.
۳. اشتہاردی، علی بنہ، مدارک العروہ، تهران، دار الاسوۃ للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ ق.
۴. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، کتاب الصوم، قم، کنگرہ جہانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
۵. تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مبانی العروہ - کتاب الصوم، قم، دار الصدیقۃ الشہیدۃ (علیہا السلام)، ۱۴۲۷ ق.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعۃ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم، مؤسسۃ آل البیت (علیہم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۷. حسینی سیستانی، سید علی، منہاج الصالحین، چاپ پنجم، قم، دفتر معظم لہ، ۱۴۱۷ ق.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر، الصوم فی الشریعۃ الاسلامیۃ الغراء، قم، مؤسسہ امام صادق (علیہ السلام)، ۱۴۲۰ ق.
۹. شبیری زنجان، سید موسی، توضیح المسائل، قم، سلسبیل، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. شریف مرتضی علم الہدی، سید علی بن حسین موسوی، المسائل الناصریات، تهران، رابطۃ الثقافۃ و العلاقات الاسلامیہ، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. ہمو، جمال العلم و العمل، نجف اشرف، مطبعۃ الآداب، ۱۳۸۷ ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویہ قمی، المقنع، قم، مؤسسہ امام ہادی (علیہ السلام)، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروۃ الوثقی، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم، العروۃ الوثقی فیما تعم بہ البلوی (المحشی)، تحقیق و تصحیح احمد محسنی سبزواری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. ہمو، العروۃ الوثقی مع التعليقات، قم، مدرسہ امام علی بن ابی طالب (علیہ السلام)، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. ہمو، العروۃ الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی، تهران، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. ہمو، العروۃ الوثقی مع تعالیق السید مصطفی الخمینی، قم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. ہمو، العروۃ الوثقی مع تعليقات الفاضل، قم، مرکز فقہی ائمہ اطہار (علیہم السلام)، بی تا. (الف)
۱۹. ہمو، العروۃ الوثقی مع تعليقات المنتظری، نرم افزار جامع فقہ اہل البیت (علیہم السلام) مرکز اسلامی نور، بی تا. (ب)
۲۰. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. ہمو، المبسوط فی فقہ الامامیہ، چاپ سوم، تهران، المکتبۃ المرتضویۃ لاحیاء الآثار الجعفریہ، ۱۳۸۷ ق.
۲۲. عاملی جبعی (شہید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسۃ المعارف الاسلامیہ، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. محدث قمی، شیخ عباس، الغایۃ التصوی فی ترجمۃ العروۃ الوثقی، تصحیح علیرضا اسد اللہی فرد، قم، صبح پیروزی، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۲۵. منتظری نجف آبادی، حسینعلی، کتاب الصوم، قم، ارغوان دانش، ۱۴۲۸ ق.

۲۶. موسوی خمینی، سیدروح الله، توضیح المسائل، تهران، مؤلف، ۱۴۲۶ ق.
۲۷. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، المستند فی شرح العروة الوثقی، نرم افزار جامع فقه اهل البيت (علیهم السلام) مرکز اسلامی نور، بی تا.
۲۸. همو، موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، چاپ چهارم، قم، المنار، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، چاپ نهم، قم، مدرسه امام باقر (علیهم السلام)، ۱۴۲۸ ق.